خبر

### افزایش ۵ برابری قیمت سوخت در بیروت

## بازگشت تظاهرات به لبنان

● تصمیم بانک مرکزی لبنان درباره برداشتن یارانه سوخت، مردم این کشور را دوباره به خیابان‌ها کشانده است؛ وضعیتی که با هشدار نسبت به احتمال از کنترل خارج‌شدن امنیت کشور همراه شده است. به گزارش «الشرق الاوسط»، درحالی‌که اقدام بانک مرکزی موجب افزایش پنج‌برابری قیمت بنزین در کشور می‌شود، صدها خودرو در برابر ایستگاه‌های عرضه سوخت صف کشیده‌اند. معترضان در خیابان‌های بیروت نیز تجمع کردند و خودروی حامل «ریاض سلامه»، رئیس بانک مرکزی را در مسیر دیدارش با رئیس‌جمهور لبنان هدف پرتاب تخم‌مرغ قرار دادند.

مناطق جنوبی لبنان نیز شاهد اعتراضات گسترده بود. در صیدا مردم با آتش‌زدن سطل‌های زباله خیابان‌های اصلی را بستند. در نبطیه نیز مردم خودروهایشان را در وسط خیابان‌های اصلی شهر پارک کردند. در شمال هم اوضاع تفاوت چندانی نداشت و مناطقی از کوره و جبل لبنان شاهد تظاهرات گسترده بود.

اکثر ایستگاه‌های عرضه سوخت از روز چهارشنبه فعالیت خود را متوقف کرده‌اند تا قیمت رسمی سوخت ابلاغ شود. در ایستگاه‌های فعال صف‌های خودروها تا صدها متر می‌رسد.

«جورج براکس»، عضو اتحادیه عرضه‌کنندگان سوخت در لبنان، تأکید کرد که درحال‌حاضر قیمت سوخت بر اساس دلار سه‌هزارو ۹۰۰ لیره‌ای به عرضه‌کنندگان فروخته می‌شود و برداشتن یارانه به معنای فروش آن به قیمت دلار در بازار آزاد یعنی بیش از ۲۰ هزار لیره است. اتحادیه کارگری لبنان این اقدام بانک مرکزی را موجب واردشدن ضربه شدید به وضعیت اقتصادی و تجاری کشور دانسته و افزوده است که خسارت این وضعیت را مردم عادی لبنان می‌پردازند و این وضعیت به از کنترل خارج‌شدن امنیت کشور می‌انجامد.

در همین حال، ارتش لبنان در بیانیه‌ای اعلام کرد: یگان‌های ارتش به ایستگاه‌های سوختی که بسته‌اند حمله کرده و تمامی بنزینی که در این ایستگاه‌ها ذخیره شده، کشف و ضبط شده و مستقیما میان شهروندان توزیع خواهد شد.

### «نه» دیاب به میشل عون

همچنین حسان دیاب، نخست‌وزیر مستعفی لبنان، درخواست رئیس‌جمهوری برای برگزاری نشست فوق‌العاده دولت برای بررسی بحران سوخت در کشور را غیرقانونی دانست و رد کرد. در بیانیه رسمی دفتر نخست‌وزیر لبنان دراین‌باره آمده که دولت از ۱۰ آگوست ۲۰۲۰ استعفای خود را اعلام کرده و به موجب قانون اساسی صرفا حق فعالیت محدود در حد پیشبرد امور جاری کشور را دارد و برای جلوگیری از هرگونه سوءتفاهمی از نقض قانون اساسی و برگزاری جلسه هیئت دولت خودداری می‌کند.

جریان المستقبل لبنان هم درخواست ریاست‌جمهوری این کشور از نخست‌وزیر، پیشبرد امور برای برگزاری جلسه فوق‌العاده کابینه و بررسی بحران سوخت در لبنان را نقض قانون اساسی این کشور خواند. این جریان در ادامه بیانیه خود آورده است: سردرگمی ریاست‌جمهوری کل کشور را متضرر می‌کند و پاسخ منفی حسان دیاب به ریاست‌جمهوری و امتناع او از فراخوان برگزاری جلسه استثنائی به این دلیل بود که او نمی‌خواهد مرتکب نقض قانون اساسی شود. پیش‌تر میشل عون، رئیس‌جمهوری لبنان، خواستار برگزاری جلسه استثنائی هیئت دولت مستعفی به علت ضرورت بررسی بحران سوخت در کشور شده بود. عون تأکید کرده بود که برگزاری این جلسه مبتنی بر اصل ۵۳ قانون اساسی لبنان است.

## پوتین جمعه میزبان مرکل است

● سخنگوی دولت آلمان در جریان یک نشست خبری در شهر برلین اعلام کرد آنگلا مرکل، صدراعظم این کشور، قرار است در تاریخ ۲۰ آگوست به مسکو سفر کند، اما جزئیات این سفر هنوز اعلام نشده است. به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری ایتارتاس، استفن زایبرت، سخنگوی دولت آلمان در برلین گفت: روز جمعه ۲۰ آگوست صدراعظم دولت فدرال آلمان به مسکو سفر خواهد کرد. چند روز دیگر ما درباره محتوای این برنامه خواهیم گفت.

او اضافه کرد: این نسبتا واضح است که او در این سفر با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، دیدار خواهد کرد.

این سخنگو همچنین اطلاعاتی را که کمی قبل‌تر از سوی اوکراین گزارش شد، تأیید کرده و گفت: مرکل در ۲۲ آگوست به شهر کی‌یف سفر خواهد کرد. او جزئیات بیشتری درباره هیچ‌یک از این سفرها مطرح نکرد. پیش‌تر سرگئی نیکیفوروف، دبیر مطبوعاتی رئیس‌جمهور اوکراین، به اعلام این سفر به کی‌یف پرداخته بود.

بخش عمده صادرات روسیه به آلمان را نفت و گاز تشکیل می‌دهد و این کشور اروپایی نیز ماشین‌آلات صنعتی و خودرو و کالاهای با فناوری‌های پیشرفته به روسیه صادر می‌کند. دو کشور همچنین در طرح خط لوله گاز نورداستریم ۲ که در حال تکمیل است و تا پایان سال جاری به بهره‌برداری می‌رسد و گاز روسیه را به آلمان منتقل می‌کند، مشارکت می‌کنند.

### ادامه پیشروی طالبان و ورود اولین گروه از نیروهای آمریکایی به کابل

# کابوس تکرار «سایگون»

عکس: Gettyimages

در میان سکوت جهانی و سخن‌گفتن بازیگران اصلی بحران افغانستان از تعامل سیاسی با گروه طالبان و برگزاری نشست با سران این گروه تندرو در دوحه -البته بدون دستیابی به نتیجه مملوس- نیروهای این گروه به ۱۷کیلومتری پایتخت افغانستان رسیدند؛ شهری که تصرف آن به دست طالبان به معنای سقوط دولت اشرف غنی و سیطره کامل این گروه بر تمامی کشور است.

آن‌طور که گفته می‌شود، هم‌زمان با تصرف شهر پل علم مرکز ولایت لوگر، در ۱۷کیلومتری کابل، اولین گروه از نیروهای آمریکایی به کابل رسیده‌اند و وزارت دفاع آمریکا اعلام کرده که سه هزار نظامی را تا آخر هفته به کابل اعزام خواهد کرد. هرچند پایگاه خبری پولتیکو در گزارشی نوشت که پنتاگون در حال برنامه‌ریزی برای خروج کامل نیروهای آمریکایی از کابل است، اما ند پرایس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا می‌گوید واشنگتن تنها نیروهایی را از کابل خارج می‌کند که به تداوم مأموریتشان در آنجا نیازی نیست. جان کربی سخنگوی پنتاگون هم به خبرنگاران گفته که دوگردان از تفنگداران دریایی و یک گردان از سربازان ارتش در واقع به کمک وزارت خارجه در افغانستان می‌روند. کربی در ادامه بیان کرد که واشنگتن هر روز وضعیت امنیتی افغانستان را پیگیری می‌کند و وزارت خارجه نیز تعداد کارکنان خود در افغانستان را تا پایان ماه کاهش می‌دهد. به گفته سخنگوی کاخ سفید، پایتخت به نظر نمی‌رسد که با تهدید آنی گروه طالبان مواجه باشد ولی آنان می‌کوشند این شهر را محاصره کنند. گفته شده سفارت آمریکا در افغانستان به کارکنانش گفته آماده ازبین‌بردن اسناد و مدارک و تجهیزات حساس باشند.

### مذاکرات مخفی بایدن

در همین حال خبرگزاری رویترز گزارش داد که جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا، در حال انجام مذاکرات مخفی با شماری از کشورها برای استقرار مهاجران افغان در این کشورهاست. پیش از این گزارش‌هایی درباره مذاکرات آمریکا با کشورهایی مانند کوزوو و آلبانی برای استقرار مهاجران افغان در این کشورها منتشر شده بود. این در حالی است که میچ مک‌کانل، رهبر اقلیت جمهوری‌خواه سنای آمریکا، پس از گفت‌وگو با سفیر افغانستان در واشنگتن از بایدن خواست با حملات هوایی مانع پیشروی طالبان شود. او با انتقاد از اجرای سیاست بایدن در قبال افغانستان، وضعیت انسانی در این کشور را رو به وخامت دانست و گفت که این وضعیت می‌تواند منجر به بحران انسانی شود. رهبر اقلیت سنا درعین‌حال اضافه کرد با این اوصاف هنوز دیر نشده و می‌توان مانع سقوط کابل به دست طالبان شد.

طالبان از ماه آوریل درحالی‌که نیروهای خارجی پس از ۲۰ سال خروج خود را از افغانستان تکمیل می‌کنند، حملاتش را برای شکست دولت کابل افزایش داده است. بنا بر گزارش برخی منابع، درحال‌حاضر این گروه حدود دوسوم خاک افغانستان را در کنترل خود دارد. به‌تازگی سخنگوی طالبان مدعی شد سقوط شهرهای بزرگ نشانه استقبال افغان‌ها از طالبان است و افزود که آنها درهای مسیر سیاسی را نمی‌بندند. در آن سو تحلیلگران بین‌المللی دلیل اصلی سقوط سریع شهرهای را ضعف ارتش افغانستان می‌دانند و می‌گویند نیروهای دولتی افغانستان از نظر روانی جنگ را در برابر طالبان باخته‌اند و هیچ محاسبات کافی درباره پیامدهای روانی یک جنگ طولانی در افغانستان وجود ندارد.

### غنی می‌ماند

درحالی‌که یکی از شروط اصلی طالبان برای نشستن پای میز مذاکره کناره‌گیری اشرف غنی از قدرت است و شنیده شده که کاخ سفید از او خواسته کنار برود، رئیس‌جمهوری افغانستان روز گذشته بدون اینکه اشاره‌ای به استعفایش کند، در سخنرانی گفت که رسالت تاریخی دارد که بیش از این نگذارد جنگ تحمیل‌شده از شهروندان افغان قربانی بگیرد. او افزود به همین دلیل مشورت‌های گسترده را در داخل دولت با چهره‌های سیاسی و اقشار مختلف افغانستان و «همکاران بین‌المللی» آغاز کرده و این مشورت‌ها «به‌سرعت جریان دارد» و به‌زودی نتیجه آن را با مردم در میان خواهد گذاشت.

اشرف غنی سال ۲۰۱۴ میلادی در انتخاباتی جنجالی به مقام ریاست‌جمهوری رسید و با عبدالله عبدالله، رقیب انتخاباتی‌اش، دولت مشترک تشکیل داد اما دو رهبر حکومت ائتلافی نتوانستند اوضاع افغانستان را بهبود ببخشند و شورش طالبان رفته‌رفته شدت گرفت. موضع‌گیری جدید اشرف غنی در حالی صورت می‌گیرد که هیئت‌های مذاکره‌کننده دو طرف همچنان سرگرم گفت‌وگو و چانه‌زنی برای ایجاد یک حکومت فراگیر ملی در افغانستان در دوحه‌اند. عبدالله عبدالله، رئیس شورای عالی مصالحه ملی، ریاست هیئت افغانستان را بر عهده دارد و ملا عبدالغنی برادر، معاون گروه طالبان، طرف مقابل اوست.

### ادامه جنگ در مزارشریف

کیلومترها آن‌طرف‌تر از میز مذاکرات، درگیری‌ها همچنان ادامه دارد و نیروهای وفادار به عطا محمد نور و مارشال عبدالرشید دوستم، دو فرمانده قدرتمند شمال، همچنان در مزارشریف مقابل طالبان مقاومت می‌کنند. به گفته وزارت دفاع افغانستان، حمله گروه طالبان به شهر مزارشریف شکست خورد و در این حمله ۳۳ طالب کشته و شمار دیگری هم زخمی شدند؛ اما ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان، یک ساعت بعد از این بیانیه در توییتی اعلام کرد که حمله طالبان از چهار طرف به شهر مزارشریف به‌شدت ادامه دارد و نیروهای آنها موفق به پیشروی‌هایی هم شده‌اند. مجاهد مدعی شده است که افراد طالبان خطوط دفاعی نیروهای دولتی در شهر شرنه مرکز استان پکتیکا در جنوب این کشور را نیز شکسته‌اند و وارد شهر شده و همچنین جنگ در مقر استانداری و فرماندهی پلیس پکتیکا ادامه دارد. این در حالی است که مقامات دولتی در کابل در سکوت خبری به سر می‌برند و تاکنون درباره این ادعاها و تحولات اعلام موضع نکرده‌اند. امرالله صالح، معاون غنی، در آخرین پست فیس‌بوکی خود نوشته است که در آخرین نشست امنیتی در کاخ ریاست‌جمهوری افغانستان بر دفاع و جنگ علیه طالبان تأکید شده است. او تنها مقام ارگ است که آشکارا بر ایستادگی تا آخر در برابر «لشکر جهل» طالبان تأکید می‌کند و همچنان معتقد است طالبان «شکست» خواهد خورد.

### عدم تکرار جنگ ویتنام

در چنین شرایطی وب‌سایت خبری سی‌ان‌ان به نقل از یک منبع دیپلماتیک نوشت که اقدام «پرتکاپوی» واشنگتن برای اعزام نیرو به افغانستان و تخلیه کارکنان سفارتش در کابل یک نشانه دیگر از این است که بایدن، اکنون که طالبان به پیشروی ادامه می‌دهد، می‌خواهد از وقوع «لحظه سایگون» جلوگیری کند. سقوط سایگون پایتخت ویتنام جنوبی به دست ارتش خلق ویتنام و جبهه آزادی ملی در ۳۰ آوریل ۱۹۷۵ رخ داد. این سقوط نشانه شکست آمریکا و جبهه ویتنام جنوبی، پایان جنگ ویتنام و آغاز دوره رسمی کمونیست‌شدن ویتنام بود؛ یک درگیری نظامی میان ویتنام شمالی تحت حمایت چین و شوروی و ویتنام جنوبی مورد حمایت آمریکا و متحدانش. سی‌ان‌ان در ادامه می‌نویسد که در رابطه با افغانستان، استقرار هزاران نیروی آمریکایی در این کشور جنوب شرق آسیا به این معناست که مقام‌های دولت آمریکا به احتمال سقوط دولت کابل رسیده‌اند و اینکه این سقوط از نظر شهروندانش می‌تواند لکه‌ای روی میراث همیشگی سیاست خارجی بایدن باشد. یکی از محققان مؤسسه صلح بین‌الملل کارنگی نیز در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان هشدار می‌دهد که این اوضاع می‌تواند به ضرر دولت بایدن تمام شود. بایدن قرار است با خروج از افغانستان روی چین تمرکز کند اما حقیقت این است که وقوع جنگ داخلی یا یکه‌تازی طالبان در افغانستان نیازمند آن می‌شود که توجهی بیش از گذشته به آن معطوف شود و نه‌تنها باعث خروج واشنگتن از خاورمیانه نمی‌شود، بلکه دولت آمریکا باید هزینه‌های به‌مراتب بیشتری را نیز بپردازد.

## با طالبان، القاعده و داعش هم بازمی‌گردند

رفیق خوری
تحلیلگر عرب

بحث و جدل در ایالات متحده، دشواری در افغانستان و پیامدهای آن فراتر از خاور دور تا خاورمیانه است. حمله ۲۰ سال پیش آمریکا به افغانستان برای اکثریت مردم ایالات متحده یک «جنگ ضروری و اجتناب‌ناپذیر» بود و تصمیم خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان «گزینه‌ای» است که بحث و جدال بسیاری را به‌دنبال خواهد داشت. هفته‌نامه فارن‌افرز پرسشی را با شمار زیادی از کارشناسان مطرح کرده مبنی بر اینکه آیا آنها با خروج کامل نیروهای آمریکایی از افغانستان موافق‌اند یا مخالف؟ در نتیجه، پاسخ‌های ارائه‌شده، دو دیدگاه متفاوت را برجسته می‌کند. دیدگاه نخست مربوط به ژنرال دیوید پترائوس است که در مقطعی فرماندهی نیروهای ائتلاف در افغانستان و عراق را بر عهده داشت، درحالی‌که مورد دوم مربوط به «آن ماری اسلاتر» مدیر سابق برنامه‌ریزی سیاسی در وزارت خارجه ایالات متحده و مدیر کنونی «آمریکای جدید» است. البته پترائوس مخالف خروج کامل نیروهای آمریکایی از افغانستان است و می‌گوید «ما از اتخاذ این تصمیم پشیمان خواهیم شد و باید به تعهد بی‌دریغ خود برای کمک به متحدان افغانمان در جلوگیری از جنگ داخلی وفادار بمانیم و مطمئن شویم که القاعده و داعش قادر به ایجاد پناهگاهی در افغانستان یا در کشورهای همسایه آن نیستند و البته همه این اهداف می‌توانند با ابقای سه‌هزارو ۵۰۰ سرباز آمریکایی در افغانستان برآورده شوند». اسلاتر نیز با ابراز موافقت، اظهار کرد که «عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی برای زنان، جامعه و اقتصاد افغانستان نتیجه ناگواری از خود به‌جا خواهد گذاشت». او افزود که «رئیس‌جمهور بایدن شهامت درک این واقعیت را داشت که ۲۰ سال جنگ و تغییرات استراتژیک برای بحران افغانستان کافی است. در واقع ایالات متحده مأموریت اساسی خود را برای ازبین‌بردن پایگاه القاعده انجام داده است و نمی‌تواند مأموریت گسترده‌تری را برای بازسازی جامعه افغانستان انجام دهد».

بااین‌حال مشکل اینجاست که آمریکا پس از نابودی آخرین طالب از افغانستان عقب‌نشینی نکرد، بلکه زمانی درصدد خروج نیروهایش از افغانستان برآمد که شمار اعضای جنبش طالبان به‌شدت در حال افزایش است. اکنون به نظر می‌رسد این جنبش می‌تواند در کشوری که استان‌های آن یکی پس دیگری مانند برگ‌های پاییزی سقوط می‌کنند، بسیار سریع‌تر از آنچه در جنگ قدرت پیش می‌رفت، پیشرفت کند.

البته تصور اینکه «طالبان» تغییر کرده، یک توهم محض است، حتی اگر طالبان با ایالات متحده آمریکا برخورد دیپلماسی داشته باشد و درباره حل‌وفصل سیاسی با دولت کابل در تماس باشد، برای مثال، رهبر نظامی این گروه، محمد یعقوب، پسر ملامحمد عمر، رهبر جنبش طالبان است. البته بسیار ساده‌لوحانه خواهد بود که واشنگتن به پایبندی جنبش طالبان به مفاد موافقت‌نامه‌ای که در مذاکرات قطر با آن منعقد کرده و مهم‌ترین بند آن خودداری طالبان از بازگشت «القاعده» و راه‌اندازی تروریسم جهانی از خاک افغانستان است، تکیه کند. حتی هشدار زلمی خلیل‌زاد، مذاکره‌کننده آمریکایی مبنی بر اینکه اگر طالبان به‌جای توافق با اشرف غنی و دولتش، با استفاده از زور وارد کابل شود، جامعه جهانی دولت طالبان را به رسمیت نخواهد شناخت، نتوانست مانع پیشروی طالبان برای سرنگونی مراکز استان‌ها و محاصره قندهار، مزارشریف، کابل و مناطق دیگر افغانستان شود؛ زیرا واشنگتن که نقش «پلیس» آمریکایی را در افغانستان بازی می‌کرد، از ایفای نقش انفرادی به داشتن شرکای آتلانتیک و سپس وارد مرحله بازنشستگی شد.

امروز آمریکا چنین وانمود می‌کند که شاهد سردرگمی و نبرد قدرت در کشورهای همسایه افغانستان است. علاوه بر اینکه روسیه نسبت به امنیت خود و تاجیکستان و سایر جمهوریت‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق ابراز نگرانی می‌کند، اما فرار از واقعیتی که خود را تحمیل می‌کند دشوار است؛ به این معنا که القاعده و داعش در حال بازگشت هستند. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که عملیات تروریستی برخاسته از افغانستان در کجا می‌تواند متمرکز شود؟ جنگجویان جدیدی که به این دو سازمان تروریستی بپیوندند از کجا خواهند آمد؟ تردیدی نیست که خاورمیانه شاهد بیشترین عملیات تروریستی خواهد بود و سرسخت‌ترین جنگجویان از کشورهای عربی خواهند آمد. اکنون چنین به نظر می‌رسد که با بازگشت طالبان به قدرت، پدیده جدید «افغان‌های عرب» را پیش‌رو خواهیم داشت، به‌ویژه اینکه در جنبش‌های این چنینی هیچ چیزی به نام نیروی ملی وجود ندارد که در محدوده مرزهای خود فعالیت کند. طوری که در سند «جهت‌گیری راهبردی موقت» دولت بایدن آمده است، آمریکایی که در حال عقب‌نشینی از منطقه است، همان کشوری است که باید «نظام بین‌المللی را در جهانی که در حال تغییر است» ایجاد کند و این امر اوج تناقض و ناسازگاری را نشان می‌دهد. آیا ساموئل هانتینگتون نگفت که «آمریکا از آن‌رو می‌تواند ناامیدی باشد که امید هم هست؟».

## اعتبار مخدوش‌شده آمریکا در افغانستان

جیمز بکویت
تحلیلگر بین‌الملل

از زمان آغاز خروج نظامیان آمریکایی از افغانستان، طالبان ۲۳۳ منطقه در این کشور را تحت کنترل خود گرفته است اما هنوز هم مقام‌های پنتاگون و دولت جو بایدن به این افسانه مخرب باور دارند که ارتش افغانستان می‌تواند در برابر پیشروی طالبان ایستادگی کند. امروز دیگر تردیدی وجود ندارد که این دیدگاهی از اساس اشتباه است. در یک هفته گذشته اوضاع افغانستان وخیم‌تر شده است و ۱۰ مرکز ولایت از هرات و قندهار سقوط کرده‌اند و جامعه اطلاعاتی ایالات متحده اکنون پیش‌بینی می‌کند که کابل هم حداکثر طی ۶۰ تا ۹۰ روز دیگر سقوط خواهد کرد.

### چگونه به اینجا رسیدیم؟

تحولات دو ماه اخیر نشان داده است که اکثریت نیروهای ارتش ملی افغانستان آمادگی ندارند و در صورتی که به حال خود رها شوند، نمی‌توانند امور خود را اداره کنند. مجموعه‌ای از شکست‌های متوالی که با روحیه ضعیف و فرار از میدان نبرد با طالبان رقم خورده، دیگر چیزی از ارتش افغانستان باقی نگذاشته است و هر روز فیلم‌های تازه‌ای از تسلیم‌شدن نظامیان افغان منتشر می‌شود. چند واحد نظامی افغانستان ازجمله نیروهای ویژه این کشور در برابر طالبان ایستادگی کردند اما عدم تأمین تجهیزات و فساد گسترده باعث شده تا موفقیتی حاصل نشود. برای مثال لشکرگاه، یکی از واحدهای نیروهای ویژه افغانستان، مدت‌هاست از سوی طالبان محاصره شده است و با کمترین تقویت هوایی در حال مبارزه هستند.

به نظر می‌رسد امید دولت افغانستان برای قیام مردمی نیروهای شبه‌نظامی علیه طالبان نیز یک امید واهی بوده است. نیروهای قیام مردمی در برابر حملات قاطع طالبان در شمال افغانستان کاملا فرو پاشیدند و شکست آنها باعث شده که نیروهای طالبان بتوانند تمام استحکامات اتحاد شمال را به استثنای دره پنجشیر تصرف کنند. امروز دیگر احمدشاه مسعود وجود ندارد که دولت افغانستان را از این بحران نجات دهد. جنگ‌سالاران قدیمی مانند عبدالرشید دوستم هم دیگر اثرگذار نیستند و حتی اسماعیل خان هم ناامیدانه منزوی شده و نیروهای طالبان او را در خانه‌اش حبس کرده‌اند.

در چنین شرایطی که طالبان از هر زمان به کابل نزدیک‌تر است، هیچ راهکاری برای حفاظت از پایتخت افغانستان وجود ندارد و گزینه‌های استراتژیک موجود در کابل برای برگرداندن ورق کاملا مبهم هستند.

اگر کابل روند فعلی خود را در تقویت واحدهای محاصره‌شده در شهر قندهار یا لشکرگاه ادامه دهد، این خطر وجود دارد که نیروهای ذخیره نیز توان خود را از دست بدهند و در چنین شرایطی اگر نیروهای ویژه افغان هم به دست طالبان حذف شوند دیگر هیچ واحد نظامی برای حفاظت از کابل وجود نخواهد داشت. واحدهای افغان سعی می‌کنند ارتباط خود را با یکدیگر قطع کنند، به سرعت نامنظم می‌شوند و طالبان کار ساده‌ای برای مقابله با آنها خواهد داشت.

موضوع مهم اینجا تنها افغانستان نیست. پرسش استراتژیک مهم‌تر این است که فاجعه در حال وقوع در افغانستان اعتبار ایالات متحده در سراسر جهان را تا چه اندازه خدشه‌دار خواهد کرد. جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا در کنار اشاره به خستگی نظامیان آمریکایی، به «راهبردی»بودن خروج آمریکا از افغانستان اشاره کرده بود. بایدن اخیرا هم گفته است که «ایالات متحده نمی‌تواند خود را تا ابد مسئول تصمیمی بداند که ۲۰ سال پیش به اشتباه اتخاذ شده است. ما باید با تهدیدهای امروز روبه‌رو شویم» و اولین تهدیدی که بایدن مشخص کرد «رقابت استراتژیک با چین» بود.

اما واقعیت این است که شکست ایالات متحده در افغانستان -در حقیقت شکست اتحاد غرب در این کشور- در رقابت فزاینده ایالات متحده و چین هم بی‌تأثیر نخواهد بود.

شکست ایالات متحده در افغانستان، نقض شعار «بازگشت آمریکا»ست که بایدن مطرح کرده است. اعتبار ایالات متحده اینجا زیر سؤال می‌رود که شکست آمریکا در افغانستان و سقوط قریب‌الوقوع کابل، پیام‌های کلیدی چین و روسیه به‌عنوان مهم‌ترین رقبای ایالات متحده را تصدیق می‌کند. پکن و مسکو در سال‌های اخیر بارها تأکید می‌کردند که قدرت آمریکا در حال افول است و نمی‌توان به ضمانت‌های امنیتی آمریکا اعتماد کرد و صحت این اظهارات را در افغانستان شاهد هستیم. اگر ایالات متحده متعهد به مبارزه با طالبان نباشد، این سؤال وجود دارد که آیا آمریکا واقعا مایل به جنگ با چین یا روسیه خواهد بود؟ چه تضمینی وجود دارد که ایالات متحده پس از چند سال میدان رقابت با پکن و مسکو را خالی نکند و به حمایت از دیگر متحدانش به‌ویژه در شرق آسیا پایان ندهد؟

نگاه

## یک عادی‌سازی پرحاشیه

محمود فاضلی . تحلیلگر بین‌الملل

● سفر یائیر لاپید، وزیر خارجه اسرائیل، به‌عنوان اولین سفر یک مقام ارشد دولت عبری به مراکش است. او هنگام فرود از هواپیما در توییتر خود نوشت: «ما در مغرب فرود آمدیم. مفتخرم که نماینده اسرائیل در این دیدار تاریخی هستم». این سفر هشت ماه پس از عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و مغرب صورت گرفت. در جریان این سفر دفتر نمایندگی دیپلماتیک اسرائیل در چارچوب توافق‌نامه عادی‌سازی روابط میان دو طرف در ۲۲ دسامبر سال گذشته افتتاح شد. در جریان این سفر مراکش و اسرائیل سه توافق‌نامه در زمینه‌های فرهنگی، گردشگری و همکاری سیاسی امضا کردند. به گفته وزیر خارجه مراکش به‌زودی ۱۰ توافق‌نامه دیگر نیز امضا می‌شود.

بوریطه، وزیر خارجه مراکش، در مراسم افتتاح دفتر مذکور حضور نداشت و به‌جای او محسن الجزولی، معاونش نماینده مراکش در این مراسم بود. وزیر خارجه رژیم صهیونیستی همچنین به دیدن مقبره محمد پنجم در رباط رفت و دفتر طلایی مقبره را با تقدیر از تلاش‌های مراکش در تقویت صلح منطقه‌ای امضا کرد. لاپید از نقش پادشاه مراکش درباره روابط دو طرف تقدیر کرد. به گفته او دوستی با مراکش مبتنی بر ارتباط و تلاش برای حل نزاع‌هاست. نقش‌های تاریخی پادشاهان مراکش در حفظ صلح و ثبات در منطقه قابل تقدیر است. وزیر خارجه مراکش در کنفرانس خبری مشترک با همتای اسرائیلی خود مدعی شد: ازسرگیری روابط با اسرائیل منعکس‌کننده تمایل ملک محمد ششم پادشاه به احیای سازوکارهای همکاری بین مراکش و اسرائیل است. پادشاه مراکش در رابطه با موضوع فلسطین، مذاکرات را تنها راه حل‌وفصل بحران اسرائیل و فلسطین بر اساس راه‌حل دو کشوری می‌داند. به باور او نیاز شدیدی به احیای اعتماد بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها و حفظ اصل راه‌حل دوکشوری وجود دارد. مراکش بازگشت سریع به مذاکرات جدی و مستقیم بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها را تأیید می‌کند.

مراکش چهارمین کشور عربی پس از امارات، بحرین و سودان است که روابط خود را با اسرائیل در سال ۲۰۲۰ تحت فشار دولت دونالد ترامپ عادی کرد. عادی‌سازی روابط در مقابل به رسمیت شناخته‌شدن از طرف آمریکا در حاکمیت مغرب بر قلمرو مورد مناقشه صحرای غربی بود. برخلاف سه کشور یادشده که اخیرا عادی‌سازی روابط خود را با اسرائیل اعلام کردند، مراکش همیشه با اسرائیل روابط داشته و روابط دیپلماتیک طرفین پس از چند دهه سکوت رسما از سر گرفته شد. از آن زمان، اولین گردشگران اسرائیلی به پایتخت گردشگری این کشور، مغرب و شهر بزرگ کازابلانکا هجوم آوردند. سالانه بین ۵۰ تا ۷۰ هزار گردشگر اسرائیلی که بیشتر مراکشی بودند، از این کشور دیدن می‌کردند اما مجبور بودند که در کشورهای دیگر ترانزیت داشته باشند. اولین پرواز مستقیم هواپیمای حامل مقامات اسرائیلی در دسامبر ۲۰۲۰ بین تل‌آویو و رباط انجام شد و در پی آن توافق‌نامه‌های دوجانبه ازجمله همکاری اقتصادی امضا شد. در ماه جولای، اداره امنیت سایبری اسرائیل اعلام کرد مغرب و اسرائیل همچنین توافق‌نامه همکاری دفاع سایبری را در رباط امضا کردند که شامل «همکاری عملیاتی، تحقیقاتی، توسعه و به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات» است. اخیرا مغرب متهم به استفاده از نرم‌افزارهای جاسوسی پگاسوز، طراحی‌شده توسط شرکت اسرائیلی NSO شد. رباط این موضوع را «اتهامات دروغ و بی‌اساس» می‌داند. فلسطینی‌ها توافق عادی‌سازی بین اسرائیل و کشورهای عربی را «خیانت» می‌دانند؛ زیرا حل‌وفصل مناقشه اسرائیل و فلسطین تا آن زمان به‌عنوان یک شرط اصلی برای عادی‌سازی روابط در نظر گرفته می‌شد. در پی اعلام عادی‌سازی روابط با اسرائیل، پادشاه مراکش، به محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین برای ادامه «تعهد دائمی و پایدار مراکش به آرمان فلسطینی» اطمینان داد. گروه «اقدام ملی برای فلسطین» در مراکش، این سفر را «توهین به مراکشی‌ها و خیانت به فلسطین و مردم آن» می‌داند.

جامعه یهودیان مراکش، در قرن ۱۵ با اخراج یهودیان از اسپانیا تقویت شد. این جامعه یهودی در اواخر دهه ۱۹۴۰ به حدود ۲۵۰ هزار نفر، یا حدود ۱۰ درصد از جمعیت رسید. بسیاری پس از ایجاد اسرائیل در سال ۱۹۴۸ این کشور را ترک کردند. جامعه یهودی مغرب بزرگ‌ترین جامعه در شمال آفریقا، حدود سه هزار نفر است و حدود ۷۰۰ هزار اسرائیلی‌تبار مغربی اغلب روابط قوی خود را با سرزمین خود حفظ کردند. بیشتر یهودیان مراکشی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، پس از تأسیس اسرائیل هم‌زمان با استقلال مراکش، به اسرائیل آمدند. جنبش صهیونیستی از یهودیان خواست تا به سرزمین موعود بیایند. با وجود شکست وعده‌های سرزمین موعود، اکثر اسرائیلی‌های مراکشی همچنان صهیونیست هستند، اما نارضایتی از تبعیض، محرومیت اقتصادی و اجتماعی افزایش یافته است. کابینه فعلی دارای چهار وزیر مراکشی‌تبار است.

مراکش پس از اولین توافق‌نامه اسلو بین اسرائیل و فلسطینیان در اوایل دهه ۱۹۹۰ که با وقوع انتفاضه دوم در سال ۲۰۰۰ تحت تأثیر قرار گرفت، با اسرائیل روابط دیپلماتیک داشت و تماس‌های غیرعلنی ادامه یافت. سالانه ده‌ها هزار اسرائیلی برای کشف کشوری که والدین یا گذشتگان آنها در آن بزرگ شده‌اند، به مراکش سفر می‌کنند. اگرچه جمعیت یهودیان در مراکش به چند هزار نفر کاهش یافته، اما مملو از میراث یهودی مانند کنیسه‌ها و گورستان‌هاست.